

ایران از دیدۀ سیاحان اروپایی

در دورۀ ایلخانان

مبلغین مسیحی

در دورۀ مغول رابطه
کلیسای کاتولیک و مسلمانان
تغییر کلی پیدا کرد - از طرفی
در اثر جنگهای صلیبی دشمنی با
مسلمانان و مخصوصاً با اهالی
سوریه و مصر تشدید گشت، و از
سوی دیگر در اثر باز شدن راه
ارتباط با شرق اروپائیان بوجود
مسیحیان شرقی یعنی ارمنه،
نسطوریان و یمنیون پی بردند
و خواستند آنها را نیز با خود
همگام ساخته و باشاعه مذهب
کاتولیک بپردازند. داشتن
دشمنی واحد در برابر خود باعث
شده بود که عیسویان شرقی
اختلافات قدیمی را تا حدی
بکنار نهند و خواهان اتحاد با
کلیسای روم شوند.

بصم

گناه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
انال جامع علوم انسانی

دکتر حسن جوادی

چنانکه گذشت پاپ‌ها با نسطوریان روابط دوستانه داشتند و از آنها حمایت میکردند، پادشاهان ارمنستان می‌خواستند اختلافات دینی خود را با کلیسای روم از میان بردارند^۱ و از حمایت و اتحاد با پاپ برخوردار شوند. مدارای مغولان در امور دینی و پیشرفت عیسویت در آسیای مرکزی باعث امیدواری زیاد شده بود. مغولان با مسلمانان فرق کلی داشتند و بعلت نداشتن فرهنگی ریشه‌دار و مذهبی استوار به آسانی به آئین مسیح درمی‌آمدند. در صورتیکه در بسیاری از جنبه‌های دینی و اجتماعی شباهتهایی زیادی بین اسلام و مسیحیت وجود دارد و یک مسلمان عیسویت را نوع ناقصی از اسلام میدانند و واضح است که نمی‌خواهد از دین خویش که برای او تکامل یافته‌ترین ادیان است دست بردارد. معذالك مبلغین مسیحی چون امکان فعالیت داشتند در میان مسلمانان قلمروی ابلخانان نیز دست از فعالیت بر- نمیداشتند. ولی مشکل است بدانیم که واقعاً کوششهای آنها تا چه حدی مقرون به موفقیت بوده است؟ بگفته یکی از راهبان فرانسیسکن بنام برادر انگلیس - والتز^۲ در سال ۱۳۳۰ (۷۳۱ هـ) یک هزار نفر مسیحی در تبریز و نصف این عدد در سلطانیه اقامت داشتند. با احتمال قوی اکثر این عده و شاید همه آنها آرامنه و گرجیانی بودند که به آئین کاتولیک در آمده بودند.^۳ گذشته از راهبانی چون ژان دوپلان کارپن و روبرویک که در اواسط قرن

۱- رابطه کلیسای ارمنستان و کلیسای لاتین «بارم» تاریخی طولانی دارد. رساله جالبی از ایندوره در دست نویسنده آن اسقف شهر سیس بنام دانیال تبریزی می‌باشد و عنوان کتاب که در ۱۳۴۱ تحریر یافته چنین است: «جواب برادر دانیال به خطاهایی که بارامنه نسبت داده‌اند»، و در آن با تمهاتی که از طرف کلیسای لاتین در حق آنان شده جواب می‌گوید:

«Responsio Fratris Daniels ad errores impositos hermenis», Recueil des Histoires des Croisades: Documents Armeniens, vol. ii, Paris, 1906.

2— Angelus Waltz

3— Compendium Histoire Ordinis Praedicatorum, Rome, 1948, p. 274.

بنقل از یادداشت‌های لکهارت

سیزدهم بسفارت بدر بار مغولان رفته بودند، بنا بگفته یکی از مورخین فرقه فرانسیسکن بنام Jean Elemosini در ۱۲۸۹ (۶۸۸ هـ) بعضی از راهبان دو مینکن و فرانسیسکن در تبریز مستقر شده بودند.^۴ اولین مبلغ مشهوری که بایران می آید ژان دومونت کورون (۱۲۴۷-۱۳۲۸) (۶۴۷-۷۲۹ هـ) بود که بعدها اسقف بزرگ شهر پکن میگردد. او در حدود سال ۱۲۷۰ (۶۶۹ هـ) از ایتالیا حرکت کرده، مدتی در ارمنستان و ایران بسر می برد و در ۱۲۸۹ (۶۸۸ هـ) یعنی همان سالی که ارغون بوسکارلو را بدر بار پاپ میفرستد، از طرف هیتوم دوم پادشاه ارمنستان بدر بار پاپ فرستاده میشود.

مونت کورون اطلاعات زیادی درباره کلیسای ارمنه، یعقوب بیان و نسطوریان و ممالک ایران، چین و هند که در سفرهای خود جمع کرده بود به پاپ میدهد و از پاپ اجازه میخواهد تا بقصد تبلیغ بچین برود. پاپ نامه ها و سفارش هایی به سلاطین سر راه مینویسد و او را روانه میسازد. از جمله این نامه ها یکی برای ارغون مورخ آوریل ۱۲۸۸ (ربیع الاول ۶۸۷) و دیگری اسقف بزرگ تبریز بنام دنیس بود که بتازگی به آئین کاتولیک در آمده بود.^۵ مونت کورون از طریق ارمنستان و طرابوزان به تبریز میرسد، و در نامه هایی که میفرستاده است بشرح فعالیت فرانسیسکن ها در نقاط مختلف می پردازد. در تبریز آنها مشغول تجدید بنای دیری بودند که دستۀ از فرانسیسکن ها بنام برادران کهتر (Mineurs) پیش از ۱۲۸۰ (۶۷۹ هـ) در آن شهر بنا کرده ولی بدستور احمد تکودار ویران شده بود.^۶ مونت کورون تبریز را در ۱۲۹۱ (۶۹۰ هـ) ترک میگوید و از راه سلطانیه، یزد هرمز روانه هند و سپس چین میشود. او شاید اولین اروپایی باشد که از

4— Monasterii, 1913, vol. i, p. 13.

5— A. Van Denwyngaert, Jean Mont Corvin, O.F.M. Première évêque de de Khanbalique, Lille, 1924.

6— Ibid. p. 18

طریق دریای هند به چین رفته است و در نامه‌هایی که از چین فرستاده بوصف هرمز و خطرات راه می‌پردازد.^۷ در نامه‌های مونت کورون اطلاعات مربوط بایران کم است، و از سالهای اولیه فعالیت‌های او در این کشور اطلاع دقیقی در دست نیست.

هر چند که با اسلام آوردن غازان امید مبلغین مذهبی تا حد زیادی مبدل بی‌اس گسردید ولی باز در زمان خود او، اولیجایتو، ابوسعید امکان فعالیت زیادی برای آنها پیدا شد. در زمان اولیجایتو شهر سلطانیه بنا گردید و بزودی شهری معمور و بزرگ گشت که اعیان و امراء مملکت در ساختن بناهای جدید بیکدیگر پیشی می‌جستند تا ایلخان مغول را خوشنود سازند. در ۱۳۱۴ (۷۱۴ هـ) دومینکنی بنام ویلیام آده^۸ بایران آمد و سه سال در ایران ماند و هنگام بازگشت بهرم به پاپ پیشنهاد کرد که سلطانیه را مقر سراسقفی سازد. ایلخان مغول مخالفتی نداشت و بنا بفرمانی از پاپ مورخ ۱۳۱۸ (۷۱۸ هـ) دومینکنی بنام فرانکوس پروچیایی^۹ اولین مطران این شهر گردید. بعلاوه شهرهای تبریز مراغه و چند شهر دیگر در شمال غربی مقر اسقفی شدند. اندکی بعد نخجوان نیز مقر اسقفی گردید و پس از ویران شدن سلطانیه بدست تیمور جای این شهر را گرفت و تا زمان نادر شاه این مرکز اسقفی باقی بود. خود ویلیام یا گیوم آده در سال ۱۳۲۲ (۷۲۲) اسقف سلطانیه گردیده تا ۱۳۲۴ (۷۲۴) در ایران ماند و اطلاعات بسیار جامعی در باره نواحی مختلف مشرق زمین جمع آوری کرد. بنا به پیشنهاد او و تصویب پاپ قرار شد که تمام اسقفهای ایران از فخره دومینکن باشند و اسقفهای چین از میان فرانسیسکن‌ها انتخاب شوند، ولی این امر باعث جلوگیری فعالیت فرانسیسکن‌ها در ایران نشد. مطلبی که در این جا قابل ذکر است توجهی است که اروپائیان در قرون

7— Ibid. p. 18 and ap. 47 cf. Henry Yule, Cathay and the Way Thither, The Hakluyt Society, 1913, i, pp. 197-225.

8— Guillemus Adae

9— Francus of Perugia

سیزدهم و چهاردهم نسبت به اسلام و مطالعه کتب اسلامی از خود نشان دادند. گرچه عقاید قدیمی درباره ساختگی بودن اسلام و داستانهای مضحک در بساره حضرت محمد از بین نرفت ولی عیسویان میخواستند بوسیله منطق با مسلمانان بحث کنند، راجر بیکن نویسنده بزرگ انگلیسی «در فلسفه اخلاقی» نوشت که بزرگترین حربه مسلمین منطق و فلسفه آنهاست و باید با حربه خودشان به آنها نزدیک شد.^{۱۰} پتر مقدس در کتابی که تحت عنوان «مخالفت با فرقه مسلمین» نوشته است، خطاب به آنها میگوید: «من برخلاف آنچه اغلب مردم ما میکنند با سلاحه بشما نزدیک نمیشوم، بلکه با سخن بشما نزدیک میشوم، نه با قهر بلکه بوسیله منطق، نه با دشمنی، بلکه با محبت...»^{۱۱} بمنظور جوابگویی به مسلمانان رابرت کیتون^{۱۲} در کلونیاک^{۱۳} قرآن را برای اولین بار در قرن دوازدهم به لاتینی ترجمه کرد و مقداری از کتب اسلامی در اسپانیا، سیسیلی و نقاط دیگر اروپا ترجمه شدند. در شورایی که در ۱۲-۱۳۱۱ در شهر وین فرانسه تشکیل یافت و در آن قرار شد کرسیهای عربی، عبری، و کلدانی، در دانشگاههای روم، پاریس، بلونی، آکسفورد و سالامانکا تأسیس شوند، ولی بعلت نبودن متخصصین تا قرن شانزدهم این فکر بمرحله عمل در نیامد.^{۱۴} طب نجوم اسلامی تأثیر زیادی روی علوم دوره رنسانس اروپا گذاشت و فلسفه یونانی از طریق منابع اسلامی دوباره با اروپا انتقال یافت. کتب ابوعلی سینا و ابن رشد در قرن سیزدهم بلاتین برگردانده میشوند و طب اسلامی در مدارس سالرن، مونتهپلیه و ناپل تدریس میشود. در این دوره بعلت ارتباط مسلمانان در اسپانیا

10— Roger Bacon, *Moralis Philosophia*, ed. E. M. Massa, 1953, p. 195.

11— Peter the Venerable, *Contra sectam Saracenorum*, i, prologue, 16»i, 1, quoted from Norman Daniel, *Islam and the West*, p. 117.

12— Robert Keaton,

13— Cluniac

14— V. V. Barthold, *La Découverte de l'Asie, Histoire de l'Orientalisme en Europe et en Russie*, traduit par N. Nikitine, Paris, 1947, p. 99.

وسیله تعداد کسانی که عربی میدانستند نسبتاً زیاد بود. مثلاً امپراطور فردریک دوم هوهنشتفن، که بانی دانشگاه ناپل نیز بود، میتوانست آثار عربی را بخواند و با علمای عرب بحث کند. گذشته از عربی گاه بیگاه بزبانهای دیگر شرق نیز ابراز علاقه میشد جالبترین اثری که از این دوره در این خصوص مانده است. Codex Cumanicus نام دارد و فرهنگی است بلاتین، فارسی و یکی از لهجههای قدیم ترکی و نشان میدهد که ترکی و فارسی مورد نیاز مبلغین و تاجران بوده است که به قلمروی مغولان سفر میکردند.

مؤلف این اثر که میتوان آنرا اولین قدم اروپائیان در ایرانشناسی و ترک شناسی نامید، معلوم نیست و نسخه منحصر بفرد آن تاریخ ۱۳۰۳ میلادی را دارد همراه ترجمه انجیل و چند متن مذهبی دیگر به همان لهجه ترکی در کتابخانه شاعر بزرگ ایتالیائی فرانچسکو پترارک در ونیز بدست آمده است.^{۱۵} کوماها (که نویسندگان اسلامی آنها را قومان و قومانیه می نامیدند) از ترکان دشت قبچاق بودند که در قرن دوازدهم سرزمینهای بین ولگا و دانوب را بخود تخصیص داده بودند و شامل چند طایفه از ترکان میشدند. مبلغین مسیحی که در دوره استیلای مغولان باین نواحی میرفتند و یا موقع مسافرت باردوی خان بزرگ ار آنهامیگذاشتند میتوانستند بازبان قومانی بامردم سر راه تا کوههای آلتایی تکلم کنند. تجار جنوایی نیز که در کریمه و شهر قدیمی Tana (آزدف حالیه) مرکز تجارتی داشتند و به چین و مغولستان سفر میکردند احتیاج باین زبان داشتند.^{۱۶} «فرهنگ قومانی» نه تنها اثر مهمی است برای مطالعه زبان قدیم ترکی، بلکه قسمت فارسی آن نیز بعلاوه بلغات قدیم فارسی و

15— Vocabulaire latin, persan et coman. dans Mémoires Relais à l'Asie, M. J. Klaproth, iii, Paris, 1838, pp. 113-256.

مطالعه کامل تری از این کتاب توسط کوون انجام گرفته است :
رجوع کنید بترجمه سفرنامه پگولتی در «ختا و راه بدانسو» :

G. Kuun, Codex Cumanicus, Budapest, 1880.

16— H. Yule, op. cit. ii, p. 291.

مخصوصاً اصطلاحات گمرکی و بازرگانی دوره مغول بسیار جالب توجه است. گذشته از یاد گرفتن زبانهای شرقی که بهر حال برای تبلیغ مذهبی مورد نیاز بودند، عقاید تمام عیسویان در مورد ترتیب دعوت دیگران بدین خودیکسان نبودند. سنت فرانسیس آسیسی^{۱۷}، مؤسس فرانسیسکن، که عشق بیحد او به همه چیز و همه کس در اشعار ساده و زیبایش در باره حیوانات و طبیعت متجلی است. معتقد بود که روش صلح جویانه عیسی را باید تقلید کرد و به سه مبلغین میگفت: «دو بدو بروید و صلح و صبر را اشاعه دهید، بدردمندان برسید و خطاکاران را دریابید کسانی که شمارا آزار میدهند بیمارزید و بخاطر آنهائیکه با کینه بشما مینگرند دعا کنید. سنت فرانسیس زیاد مسافرت کرده بخاطر تبلیغ دین عیسوی به دربار الکامل محمد خلیفه ایوبی مصر رفته بود. گرچه او را با احترام پذیرفته بودند، ولی تبلیغش موفقیتی نداشته است^{۱۸}، شاید داستان احترام باو در دربار مصر خالی از حقیقت نباشد، چون مسلمانان همیشه حس احترامی نسبت بمردان مقدس دارند. در برابر این روش روحانی و غیر دنیوی تبلیغ عده ای هم بودند که هدفهای دینی را حسابگرانه با اغراض دنیوی توأم میساختند. گیوم آده، دومین اسقف سلطانیه که اصلاً فرانسوی بوده و از ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۴ (۷۲۲-۷۲۴) از طرف پاپ ژان بیست و دوم اسقفی این شهر را بهمه داشت بعد از ۱۳۲۴ کتابی نوشت. تحت عنوان «ریشه کن ساختن مسلمانان»^{۱۹} که در آن نقشه دقیقی برای یک لشکر کشتی و اشغال سرزمینهای اسلامی را ارائه میدهند. گیوم آده کسانی را که با مسلمین سرآورده داشتند و یابه آنها اسلحه میفروختند «پسران زشتکار کلیسا مینامد که بظاهر بکلیسای کاتولیک اعتقاد دارند ولی در

17— Saint Francis of Assisi

18— N. Daniel, op. cit. p. 117.

19— «De modo Saracenis extripandi», dans Documents Armeniens, vol. ii. Cf. «Documents relatifs à Guillaume Adam, Archevêque de Sultanieh, puis d'Antivari, et a son entourage (1317-1348), Mélanges pour servir à l'histoire de l'Orient Latin et des Croisades, Paris, 1906, pp. 475-515.

عمل آنرا انکار میکنند، «و میگویند باید مثل سابق آنهار از کلیسا طرد کرد. نقشه او بر چهار اصل استوار است: اول باید جلوی مسیحیان، «زشتکار» چون تجار جنوبی ویا عیسویان اسکندریه را گرفت که بوسیله نفرات و آلات جنگی بسلطان مصر کمک میکنند، درثانی باید قسطنطنیه را گرفت چه یونانیان همیشه دشمن علنی جنگهای صلیبی بوده‌اند و امپراطور آنها با سلطان مصر روابط نزدیک دارد گیوم آده روی اصل اخیر تأکید زیادی میکند و قسمت اعظم کتاب خود را بدان اختصاص داده است و چون قبل از رفتن بایران مدتی در آسیای صغیر و یونان بوده است اطلاعاتش متکی بر مشاهدات اوست، ثالثاً «باید جلوی تاتاران دشت قبچاق را گرفت که از ایلخانان ایران ترس دارند و با سلطان مصر دوستی میکنند، رابعاً «باید ناو گانی دریکی از بنادر خلیج فارس یا دریای هند متمرکز ساخت و جلوی کشتی‌هایی را گرفت که از هند و خاور دور کالا بمصر میبرند. این جالب‌ترین قسمت نقشه گیوم آده است و در نتیجه مسافرت و اقامت در نواحی مختلف ایران و هند اطلاعات جامعی از وضع تجارت خلیج فارس و دریای هند و امکان همکاری ایلخانان را بدست میدهد. عقاید او بیش از یک مبلغ مذهبی بعقاید استثمارگران اروپائی دوره‌های بعد شباهت دارد و نشان میدهد که فکر استثمار از همان روزگار در مخیله اروپائیان وجود داشته است. مثلاً پس از گفتگو در باره دزدان دریایی خلیج فارس و اقیانوس هند، میگوید که نباید مبالغه‌گرافی صرف‌لشگر کشی کرد، بلکه اگر چند کشتی بکمک پادشاه ایران در هرمز یا قشم بنا گردد میتواند موفقیت مسیحیان را در این نواحی استحکام بخشید و سپس میتوان اعتماد این دزدان دریایی را جلب کرد و با صرف هزینه اندک و با وعده دادن تاراج کشتی‌هاییکه بمصر میروند آنها را جز و نفرات خود در آورده. چقدر این نقشه کشور گشایی بادنیه‌ای روحانی و صوفیانه سنت فرانسیس فـرق دارد. فکر حمله بمصر از طریق خلیج فارس و اقیانوس هند در این دوره بوسیله شخص دیگری بنام مارینوسانود ابراز شده است، ولی البته باندازه نقشه گیوم آده

مستند و جاه طلبانه نیست^{۲۰}. ارغون خواست این فکر را بمرحله عمل بگذارد و در ۱۲۹۰ (۶۸۹) بنا بگفته ابن عبری^{۲۱} نهمصد دریانورد جنوایی را اجیر کرد تا برای آوردن چوب و وسایل لازم برای کشتی سازی بشمال بین النهرین رفتند و سپس در موصل سوار کشتی شده، از طریق دجله به بغداد آمدند و به بقیه رفقای خود که در آنجا مانده بودند، ملحق شدند. این عده زمستان را در بغداد میمانند و چون یکی از آنان به مسجدی بی حرمتی میکند بلوایی براه میفتد. بهر حال کار ساختن کشتیها بیایان میرسد ولی قبل از عزیمت بین جنوایی هانزاعی در میگیرد و یکدیگر را میکشند و نقشه ارغون نتیجه ای نمیدهد^{۲۲}. اکثر مبلغین مسیحی ایندوره یا سفرنامه ای نوشته اند یا گزارش مسافرت خود را طی نامه هایی با اطلاع مقامات کلیسای خویش رسانیده اند. هر چند که در این نوشته ها اغلب عقاید قرون وسطایی هنوز بمقدار زیاد چشم میخورد و بحث هایی چون تعیین جای بهشت و غیره اغلب بمیان کشیده میشود، معذک پیدایش روح کاوشگرانه واقع بینانه دوره رنسانس بخوبی در آنها پیداست. بطور کلی میتوان گفت سفرهای این دوره طلیعه اکتشافاتی است در قرون پانزدهم و شانزدهم وضع دنیارادر گون میسازند. یکی از مبلغین که سفرنامه کوچکی از خود بجا گذاشته راهبی است بنام جوردانوس اهل سوراگ^{۲۳} فرانسه که از زندگی و اطلاع زیادی در دست نیست. همینقدر میدانیم که او بین سالهای ۲۳ - ۱۳۲۱ - (۸۲۱-۷۲۳) در شرق بوده و دوباره در ۱۳۳۰ (۷۳۱) اروپا را بقصد هند ترك گفته است. از جوردانوس دو نامه در کتابخانه ملی پاریس موجود است اولی مورخ ۱۲ اکتبر ۱۳۲۱ از یکی

20— Marino Sanudo, «Secreta fidelium Crucis», 1, part iii, p. cxcix, Documents Armeniens, ii.

21— Bar Hebraeus, *Chronicon Syriacum*, tr. by Burns and Kirsch, i, p. 620.

22— Jean Richard, «European Voyages in the Indian Ocean and Caspian Sea (12th- 15th centuries)», Iran, vol. vi, 1968, p. 49.

23— Jordanus of Séverac

از بنادر خلیج فارس میباشد و یکی از همکاران مبلغ خود در تبریز مینویسد که سه شهر را در هند برای فعالیتهای مذهبی و تبلیغ در نظر گرفته است، در نامه دوم (مورخ ژانویه ۱۳۲۴) مینویسد چگونه همراه چهار راهب دیگر از تبریز بقصد چین حرکت کردند، ولی بعلمت طوفان در حوالی شهر تانا (Tana دروازه میلی یمی) کشتی آنها بظاڪ نشست. مطابق همین نامه جوردانوس مدتی در هند میماند و بعلمت آشنایی بیشتر بزبان فارسی بهتر از رفقای خود قادر به تبلیغ بوده است، ولی بحث زیادی نمیکند و چهار رفیق او بدست هندیان کشته میشوند. دیگر اطلاعی که از جوردانوس داریم فرمانیست از پاپ ژان بیست و دوم بتاریخ ۱۳۳۰ که او را به اسقفی شهر Calumbum در هند منصوب میکند، که باتبریز و یکی دو شهر دیگر همه تحت سرپرستی سر اسقفی سلطانیه بوده اند. سفرنامه جوردانوس فوق العاده مختصر است و در واقع بگفته سیاحان دیگر چیزی نمی افزایند. او در ایران بیشتر بوصف دو شهر تبریز و سلطانیه میپردازد و میگوید در اولی یک هزار و در دومی پانصد نفر مسیحی مسکن دارند و در هر دو شهر کلیساهای زیبایی ساخته اند. ذیلا قسمتی از فصل مربوط بایران از این سفرنامه که انتقادی است از غذا خوردن ایرانیان و نشان میدهد که در آن زمان شاید استعمال قاشق و چنگال در اروپا مرسوم بوده است، گرچه از منابع دیگر برمیآید که اروپائیان در پا کیزگی از مسلمانان عقب بودند. «... طول ایران حدود پنجاه و یا پنجاه و پنج روز راه است و عرض آن نیز بهمین اندازه میباشد. مردم این کشور زیاد پا کیزه نیستند و روی زمین می نشینند و همانجا غذا میخورند. شورها و گوشت را روی تخته ای بین سه، چهار و یا پنج نفری میگذارند. ایرانیان روی سفره غذا میخورند، بلکه آنرا روی يك قطعه چرم و گاهی روی میزی کوتاه از چوب و یا مس با سه پایه میگذارند و شش، یا هفت و یا هشت نفر از يك طرف غذا میخورند. مرد و زن، بزرگ و کوچک همه با انگشتان خود طعام میخورند و پس از صرف غذا یا هنگام خوردن انگشتان خود را می لیسند و یا آنها را روی آستین پاك

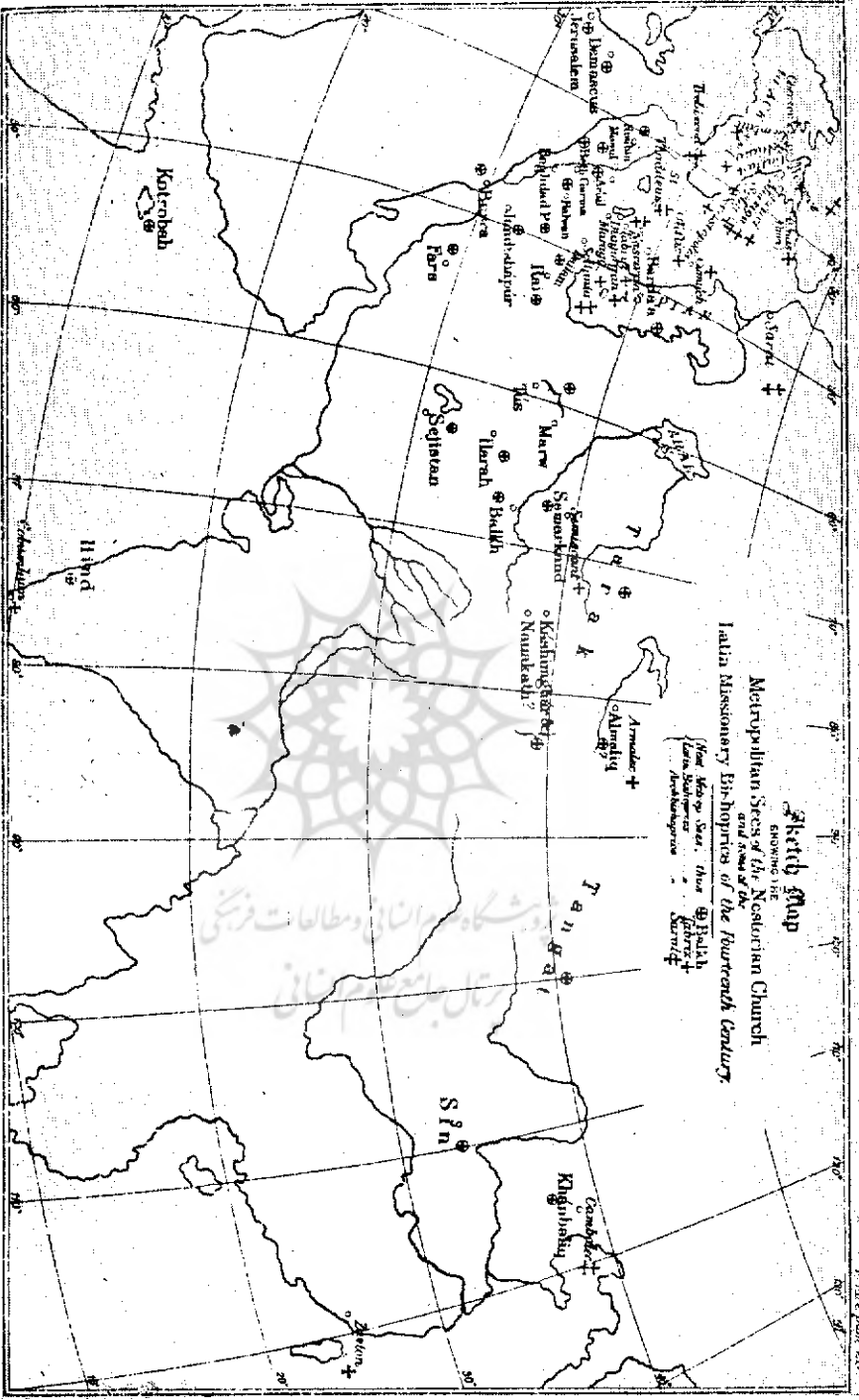
میکنند. بعداً اگر باز چربی مانده باشد روی کفشها پاک میکنند. تمام مردم این سامان و همچنین اهالی تاتارستان غربی و شرقی باین نحو غذا میخورند باستثناء هندیان که با وجود استفاده از انگشتان خود بطرز تمیزی غذا میخورند.^{۲۴}

راهب دیگری که در زمان ابوسعید بهادرخان بشرق سفر کرده و سفرنامه فوق العاده جالبی از خود بجای گذاشته است. اودوریک (۱۲۸۶-۱۳۳۱/۶۸۵-۷۳۲) اهل پردونون^{۲۵} در شمال ایتالیا میباشد که مدتها بعد (۱۷۵۵) جزء مقدسین عالم مسیحیت در آمد و کرامات زیادی بدو نسبت داده شد، ولی باز سفرهایش بیش از تقدس و تبلیغ او شهرت داد.

اودوریک در جوانی بفرقه فرانسیسکن ها پیوست و چند سال در زادگاه خویش با زهد و ریاضت روزگار گذرانید در ۱۳۲۰ (۷۲۰) یا کمی پیش از آن اودوریک همراه دوستی بنام راهب جیمز اهل ایرلند بقصد شرق حرکت کرد، این دو پس از گذشتن از قسطنطنیه و طرابوزان از طریق ارض روم و تبریز به سلطانیه رسیدند و مدتی در صومعه های فرانسیسکن دو شهر اخیر بسر بردند. در اینجا سفرنامه اودوریک قدری درهم است و گویا در ایران از شهری بشهر دیگر میرفته اند. آنچه معلومست اینکه در ۱۳۲۲ (۷۲۲) به کاشان و یزد، تخت جمشید، شیراز و سپس از طریق کردستان به بغداد رفته اند. اودوریک دوست او در هرگز سوار کشتی شده به سورات میروند و پس از برداشتن استخوانهای چهار راهب مقتول که جوردانوس در آنجا بخاک سپرده بود راهی چین میشوند. خط سیر اودوریک تا چین از مالابار شروع شده شامل پوندشیری، سیلان، مدرس، سوماترا، جاوه و ویتنام جنوبی میشود تا بکانتون و بالاخره به خانبالیغ میرسد. اودوریک و جیمز ایرلندی مدتی در چین میمانند

24— The Wonders of the East by Friar Jordanus, tr. by H. Yule, the Hakluyt Society, London, 1863. pp. 8-9.

25— Odoric of Pordenone



مراکز استقفا کلیسای نسطوری و بعضی از استقفا های بمبلین دوران پاپ در قرن چهاردهم . از کتاب «خاتوا راه بانسو» از هنری بول .



نقش حجاری شده اودوریک در شهر Udine

وسپس از طریق لاهاسا، کابل، خراسان، جنوب دریای خزر به تبریز می‌رسند. اودوریک پس از بازگشت بوطن در ۱۳۳۰ (۷۳۱) خاطرات خود را در صومعه سنت آنتونی واقع در شهر یادوآ تقریر میکند و راهبانی آنها را می‌نویسد. مثل کتاب مار کوپولو، نسخه‌های این سفرنامه محبوبیت زیادی می‌یابد و در عین حال عده‌ای نسبت به گفته‌های اودوریک شک می‌کنند. اندکی بعد یک نجیب

زاده انگلیسی بنام سر جان مندویل^{۲۶} که خود از مصر و سوریه فراتر نرفته بود با استفاده از گفته‌های اودوریک سفرنامه‌ای می‌نویسد و باعث میشود که مدت‌ها محققین نسبت به مطالب اودوریک شک کند و حتی او را دروغگوئی بزرگ بنامند. ولی در اواخر قرن گذشته سرهدی پول انگلیسی ترجمه دقیقی از کتاب اودوریک میکند و حواشی عالمانه‌ای بر آن مینویسد و نشان میدهد که مندویل دروغگوی بزرگ بوده است.

از سفرنامه اودوریک برمیآید که او مردی ساده و شائق دیدن شگفتیهای سر راه خود بوده است و جالب اینکه برخلاف سایر معاصرین خویش تعصب زیادی در تبلیغ دینی نشان نمیدهد و کمتر از آن سخن میراند گرچه کتاب او بعضی از داستانهای اغراق آمیز قرون وسطی را در بردارد و بین دیده‌ها و شنیده‌ها خط مشخصی نیست، ولی باز بخاطر وسعت راهی که پیموده و اطلاعاتی که میدهد از مدارک گرانبهای این دوره بشمار میرود.

در بعضی موارد دقت نظر او بیشتر از مارکوپولو است و ذکر برخی از عادات شرقیان را برای اولین بار برای اروپائیان شرح میدهد. مثلاً میگوید چگونه چینی‌ها پای دختران را در قالب چوبین میگذارند تا کوچک بماند و یا چگونه از مرغی بنام قره نماز (Cormorant) برای گرفتن ماهی استفاده میکنند و هنگامیکه ماهی را گرفت با فشار دادن ریسمانی که بگردن مرغ بسته اند آنرا بیرون می‌آورند. از قبیل این نوع جزئیات در سفرنامه‌های مبلغین آن روزگار کمتر پیدا میشود. در این جا بعنوان نمونه وصف تبریز و سلطانیه از سفرنامه اودوریک ترجمه میشود. تبریز شهر بیست شاهانه و بزرگ که در قدیم شوش^{۲۷} خوانده میشد و پایتخت اخشورش شاه بود برای مال التجاره از این شهر خوبتر و بهتر شهری در دنیا وجود ندارد. زیرا هیچ آذوقه و هیچ

26— Sir John Mandeville

۲۷— در سفرنامه‌های قدیم اغلب تبریز، بزرگترین شهر ایران در آن روزگار، را با شهرهای قدیم ایران چون شوش تورات و یا اکباتانا اشتباه میکنند.

نوع کالا بر روی زمین نیست که انبارهای بزرگی از آن در تبریز یافت نشود. موقعیت شهر بسیار خوبست زیرا از تمام ملل جهان برای دادوستد بدانجا می آیند. عیسویان مقیم تبریز میگویند که در آمد پادشاه آنجا از این یک شهر بیشتر از تمام پادشاه فرانسه از کشور خویش میباشد. در جوار شهر کوهیست از نمک که مقدار زیادی نمک میدهد و هر کس هر قدر بخواهد میتواند از آن بردارد. بی آنکه پولی بکسی بپردازد. در تبریز مسیحیان متعدد و مختلفی هستند ولی اکثریت با مسلمانان است که در همه چیز بر آنها آمروند.

از تبریز حرکت کردم و پس از دوازده روز به سلطانی رسیدم که در ایام تابستان اقامتگاه پادشاه ایرانست او در زمستان به Axam^{۲۸} میرود که در کنار باکو واقعست. سلطانیه شهریست بزرگ که هوای خنکی دارد و امتعه گرانهای زیادی برای فروش بدانجا می آورند. . . . از این شهر با کاروانی حرکت کردم و روانه هند علیا شدم و پس از روزها مسافرت بشهر سه مغ^{۲۹} رسیدم که کاشان نامیده میشود و شهریست شاهانه و مشهور ولی تا تازان قسمت بزرگی از آن را خراب کرده اند. در این شهر نان و شراب و دیگر چیزهای خوب فراوان است از اینجا تا اورشلیم بیش از پنجاه روز راهست (و مسلماً آن سه مغ نه با قدرت انسانی بلکه بطرز معجزه آسائی رهبری شدند و بزودی با اورشلیم رسیدند) چیزهای جالب در اینجا زیاد است که من محض اختصار از ذکرشان خود داری میکنم. از اینجا به شهر دیگری رفتم بنام (Iest) یزد که از آنجا به «دریای شن» یکروز راه است، که چیزی است بس عجیب و

۲۸- ممکنست مراد او جان باشد و حتی میتوان این کلمه را «موغان» نیز خواند، چون ایلخانان مغول به موغان نیز میرفتند. دریای باکو اسم قدیمی دریای خزر است. رجوع کنید به حواشی محققان یول به حفر نامه ادوریک در «ختا و راه بدانسو»، ج ۲، ص ۱۰۵.

۲۹- سه مغ که شب ولادت عیسی بهدایت ستاره ای با اورشلیم رفتند مشهور است از کاشان آمده بودند.

خطرناک . همه آن شن سوزانست بدون اندک رطوبتی ومانند دریا بهنگام طوفان باین سو و آنسو میرود و موج میزند : اشخاص بیشماری هنگام سفر بدان فرورفته و فوت کرده اند زیرا وقتیکه باد میوزد شن ها چون تپه هایی بحر کت می آیند و بهرسو روان میشوند . در شهر یزد مقادیر متناوبی اغذیه و دیگر چیزهای خوب و قابل ذکر وجود دارد مخصوصاً انجیر و انگور آن خوبست . انگور یزد سبز و کوچک و بیشتر از هر جای دیگر است این سومین شهر پادشاهی ایران میباشد و مسلمانان میگویند که هیچ مسیحی بیش از یکسال نمی تواند در اینجا زنده بماند ۳۰

در خاتمه این قسمت بی مناسبت نیست اگر ذکر سفرنامه دیگری بشود که توسط یک راهب فراسیسن از اهالی اسپانیا در اواسط قرن چهاردهم میلادی نوشته شده است و عنوان طولانی پرطمطراق آن چنین است کتاب دانش تمام پادشاهیها ، سرزمین ها و امارات که دنیا هستند و پرچمها و علامات قلمروها ، امارات و بیادشاهان و امرایی که صاحب آنند^{۳۱} . نویسنده ، که نامش معلوم نیست . ادعا میکند که اغلب ممالک دنیای شناخته شده آنروزگار را بزیر پای نهاده است . البته این گفته مبالغه آمیز است ولی بنظر میرسد که راهب اسپانیولی بسیار سفر کرده بود و گذشته از دیده های خویش از آثار جغرافیایی دیگران نیز در تدوین کتابش سودجسته بود . او اولین کسی است که محل پریسنوجان ، پادشاه داستانی عیسویان در شرق را در حبشه قرار میدهد و هم چنین اولین کسی است که از جزایر قناری در اقیانوس اطلس نام می برد اما مطالبی که درباره ایران میگوید چیزی بمعلومات قبلی نمی افزاید .

30— Teh Travels of Friar Odoric in Cathay and the Way Thither, ii, pp. 102-108.

31— Book of the Knowledge of all kingdoms, lands, and lordships that are in the world, and the arms and devices of each land and lordship, or of the kings and lords who possess them, tr, by Sir Clements Markham, the Hakluyt Society, 1912.

یکی از خصوصیات جالب «کتاب دانش» تصاویر رنگی آنست از پرچمها و آرمهای ممالک مختلف، که در هر سه نسخه موجود این اثر تقریباً تفاوتی باهم ندارند شاید بعضی از این پرچمها خیالی باشند، ولی بعضی دیگر اصالت دارند، گذشته از پرچمهای اروپایی که صحت آنها را منابع دیگر نیز تأیید می کنند، مثلاً روی پرچم غرناطه و مکه جمله لا اله الا اله بخوبی خوانده میشود که با در نظر گرفتن کمی اطلاع اروپائیان آنروز کار از ممالک شرقی نمی تواند بدون مأخذ باشد پرچم ایران خیلی عجیب است و عبارت از پارچه زردی که در وسط مربعی سرنگ سرخ دارد حالا واقعاً پرچم ایران چنین بوده است یا نه، معلوم نیست. در نقشه کاتالان^{۲۲} که یکی از مهم ترین نقشه های قرون وسطائی میباشد و در ۱۳۷۵ از روی اطلاعات سیاحان مختلف و خاصه مار کوپولو ترسیم شده است، بر روی شهرها و قلاع ایران (که بعلمت پایتخت بودن تبریز «امپراطوری تبریز» یا Tavis خوانده میشود) پرچمهایی بهمین رنگ مشخص دیده میشوند البته بطور قطع نمی توان گفت که پرچم ایران چنین بوده است و بعلاوه این سؤال پیش می آید که چرا علامت شیر و خورشید که بر روی سکه های سلجوقی دیده میشود و قبل از مغولان وجود داشته است بر روی این پرچمها نیست؟ شاید بتوان گفت این نوع پرچم زرد با مربع قرمز در وسط آن یکی از پرچمهای مغولان بوده است. بدین ترتیب در دوره قدرت مغولان مبلغین زیادی بشرق رفتند اغلب اینعده شهرهای تبریز و یا سلطانیه را مرکز خود قرار داده سپس بسوی چین و یا آسیای مرکزی حرکت کردند در حدود سال ۱۳۳۰ (۷۳۱) یکی از اسقف های سلطانیه بنام Johnde Cora کتابی نوشت بر اساس سفرنامه مار کوپولو گزارشهای دیگر مبلغین دیگر مسیحی «بنام کتاب کشور خان بزرگ^{۲۳}» که در آن

32— Henry Cordier, *L'Extreme-Orient dans l'atlas Catalan de Charles V, roitde France*, *Bulletin de Geographie Historique et Descriptive*, Paris,

Paris, 1895, pp. 19-63.

33— «Book of the Estate of the Great Khan».

اطلاعات جامعی از وضع چین بدست میدهد و می‌خواهد این اثر را راهنمایی باشد برای مبلغین که عازم آن کشورند از طریق راه دریایی خلیج فارس و اقیانوس هند مبلغین مقیم ایران و چین با هم در تماس بودند و اغلب از این راه به چین می‌رفتند. سر اسقفی کاتولیک‌ها در سلطانیه، حتی پس از ویران شدن این شهر بدست تیمور، تا سال ۱۴۲۵ برقرار بود، ولی دیگر پس از مرگ سلطان ابوسعید و افتادن نواحی مختلف بدست سلسله‌های کوچکتر و وجود جنگ و نزاع دائمی در نواحی مختلف، امکان فعالیت مبلغین مسیحی از میان رفت از سوی دیگر پس از مرگ خان قباچاق بنام جانی بیگ در ۱۳۵۹ (۷۶۱) یکی از راههای وصول به آسیای میانه و چین بر روی اروپائیان بسته شد در نیمه دوم قرن چهاردهم میلادی اسلام در آسیای مرکزی به پیروزی نهایی رسید و این امر همراه با بقدرت رسیدن سلسله مینگ (۱۳۶۸-۱۶۴۴) در چین و بیرون راندن مبلغین از چین، که تاحدی جنبه ملی و وطن پرستانه داشت، باعث وقفه‌ای طولانی در فعالیت مبلغین گردید. بدین ترتیب روابط اروپائیان با آسیای مرکزی و چین و تا اندازه‌ای با ایران برای مدتی قطع گشت. ۳۴

رابطه کلیسای ارمنستان و کلیسای لاتین (پارم) تاریخی دارد. رساله جالبی از ایندوره در دست است که نویسنده آن اسقف شهر سپس بنام دانیال تبریزی میباشد و عنوان کتاب که در ۱۳۴۱ تحریر یافته چنین است: «جواب برادر دانیال به خطاهایی که بارامنه نسبت داده اند» و در آن با تهاّماتی که از طرف کلیسای لاتین در حق آنان شده جواب میگوید:

ج - روابط تجارتي ایران با اروپا در دوره ایلخانان

تقریباً میتوان گفت که در دوره ایلخانان تجارت ایران با اروپا منحصر بود به تجارت با جمهوریهای مختلف شبه جزیره ایتالیا، و کالای ایران از

این طریق بسایر نقاط اروپا میرفت . بدین جهت شاید بتوان این فصل را با عنوانی چون « روابط تجارتنی ایران با ایتالیا » آغاز کرد ، ولسی از آنجا که جمهوریهای مختلف ایتالیا در آنروز گار ممالک مستقل و مجزایی بودند، که اغلب قلمروشان بخارج از آن شبه جزیره نیز کشیده میشد ، و کشوری با مشخصات جغرافیایی ایتالیای امروزی وجود نداشت شاید عنوان قبلی مناسب تر باشد .

در دوره ایلخانان تجارت اروپائیان با ایران از طرفی مرحله ای بود در تجارت با امپراطوری مغول ، که ایران تا زمان غازان خان جزوی از آن شمرده میشد ، و از سوی دیگر ادامه و صورت گسترش یافته تجارتی بود پر فعالیت و قدیمی که جمهوریهای دریایی ایتالیا از مدتها پیش با شرق داشتند و در زندگی اقتصادی آنها نقش عمده بزرگی بازی میکرد . در اوایل قرن چهاردهم میلادی قلمروی ایلخانان تا جنوب غربی باطوم و شرق امپراطوری طرابوزان گسترده شده بود و از این فاصله بدریای سیاه راه داشت . هم از این راه وهم از طریق امپراطوری طرابوزان که مرکز بازرگانی مهمی برای سوداگران ایتالیا بود ، این بازرگانان با ایران معامله میکردند و ممر درآمدی برای ایلخانان بشمار می آمدند . از طرف دیگر تنها راه دریایی چین و هند و خاور دور از طریق خلیج فارس بود و از این تجارت ترانزیت نیز سود زیادی نصیب ایلخانان میشد .

بغداد مدت‌های مدیدی مرکز امپراطوری اسلامی بشمار میرفت و از ثروت و اهمیت تجاری بی نظیری برخوردار بود . در زمان مارکوپولو نیز پارچه های ابریشمی و زر بفت آن بنام « بغدادی » مشهور بود و

۱- Baldachin هنوزم این کلمه در ایتالیائی و انگلیسی بمعنی حریر و پارچه زربفت و همچنین سایبان سر شاهان بکار میرود . کلمات دیگر چون Crimson (رنگ قرمز) Cramoisy (نوعی ابریشم قرمز) و Organza (که در اصل « اورگنزی » است یعنی پارچه ای که در اورگنچ بسافته میشود) هم در این دوره بزبانهای اروپائی رفته اند .

تجارت هند و خلیج فارس بدان اختصاص داشت در قرن چهاردهم میلادی نیز شمس‌الدین ذهبی^۲ بغداد را وعده گاه تجاریمنی، هندی و زنگی میخواند و میگوید که محصولات ارمنستان، آذربایجان، یونان، سوریه، مصر و مغرب در آنجا بفروش میرفته است. اما پس از فتح بغداد بدست هلاکو این شهر بتدریج از رونق سابق میفتد و جای خود را اول به تبریز و سپس به سلطانیه میدهد. تبریز بزودی اهمیت فوق‌العاده‌ای می‌یابد و بگفته اودوریک مرکز تجارت دنیا میگردد و در بازارهای آن پارچه‌های ابریشمین و زربفت و انواع سنگهای قیمتی و بالاخره اکثر امتعه دنیای آنروز بفروش میرفته است. ابن بطوطه شرح جالبی از «بازارغازان» تبریز، که آنرا «بهترین بازاری که در جهان دیدم» میخواند میدهد، و میگوید: «هر صنف جای مخصوص خود را دارد. هنگامیکه از بازار جواهریان می‌گذشتیم، چشمانم از جواهرات متعددی که دیدم خیره ماند. آنها را غلامان زیبایی که لباسهای فاخر بن و شالهای ابریشمین بکمرداشتند بزنان تر کها عرضه میکردند و آنها نیز بمقدار زیاد میخریدند و سعی میکردند در خریدن بیکدیگر سبقت جویند.»^۳ مارکوپولو نیز میگوید که امتعه بغداد، موصل و دیگر نواحی گرمسیر^۴ و هند به تبریز آورده میشد و عده زیادی از بازرگانان و نیز کالاهای اروپا را بدانجا می‌آوردند.^۵

2— W. Heyd, *Histoire du commerce du Levant au Moyen-Age*, Leipzig, 1885-86, ii, p. 124.

هیداسم کتاب شمس‌الدین دمشقی را نمی‌دهد ولی گویا منظور «کتاب دول‌الاسلام» از شمس‌الدین ذهبی دمشقی باشد.

۳— رحله ابن بطوطه، چاپ مصر ۱۹۶۴، ج اول، ص ۱۴۷

4— H. Yule, *The Book of Ser Marco Polo*, 1903, ii, p. 75.

منظور از گرمسیر نواحی خلیج فارس و بحر عمان است.

۵— در این باره رجوع کنید بکتاب اخیرالدکر هید، و همچنین بمقاله جالب Lueiano Petech بنام «تاجران ایتالیایی درامپراطوری مغول»، «ژورنال آزیاتیک» ج ۲۵۰، ص ۲۵۰ (۱۹۶۲).

اولین تاجر ایتالیایی که سندی از او در دست داریم یکی از اهالی ونیز بنام پیترو ویلونی^۶ میباشد که در سال ۱۲۶۴ (۶۴۳) در تبریز در گذشته است و وصیت نامه‌ای از او باقیمانده که مطابق آن بین اجناس او کالاهای آلمان، فلاندر، لمباردی و امتعه شرق وجود داشته است.^۷ بدین ترتیب می بینم که بفاصله کمی پس از سقوط بغداد تبریز تجار تنگاهی برای کالاهای شرق و غرب شده بود. فعالیت تجار ایتالیایی در این دوره شایان توجه است و بروشن شدن وضع اقتصادی آنروز گار کمک زیادی میکند. منابع ما درباره این بازرگانان اولاً از طریق شرحهایی است که بقلم سفرای پاپ و یاپادشاهان فرانسه و انگلستان بدربار مغولان نوشته شده است و معمولاً از این تجار اسم برده شده و از کمکهای آنان قدردانی شده است. در ثانی از طریق اسنادی است که در بایگانی‌های ونیز و جنوا وجود دارد و بیشتر جنبه قضایی دارد و مربوط به نحوه تشکیل شرکتهای تجارتی میباشد. از خصوصیات بارز این بازرگانان که بیشتر ونیزی، جنوایی و یاپیزی بودند، اینست که بندرت شرح مفصلی از مسافرت و مقصد خود بجای گذاشته‌اند، زیرا که اغلب نمی خواستند رقبایشان از هدفهای آنان باخبر شوند. آنچه معمولاً باقی مانده مورد احتیاج دفاتر رسمی جمهوری مربوطه بوده است و از دادن اینگونه اطلاعات نمیتوانستند خودداری نمایند.^۸ گذشته از مار کوپولو که استثناء قابل ملاحظه‌ای از این لحاظ است و شاید اگر اصرار دوستش روستیچلو نبود چیزی از خود بجای نمی گذاشت، از دیگران آثار مشروحی در دست نیست. فقط يك کتاب بسیار

6— Pietro Viglioni

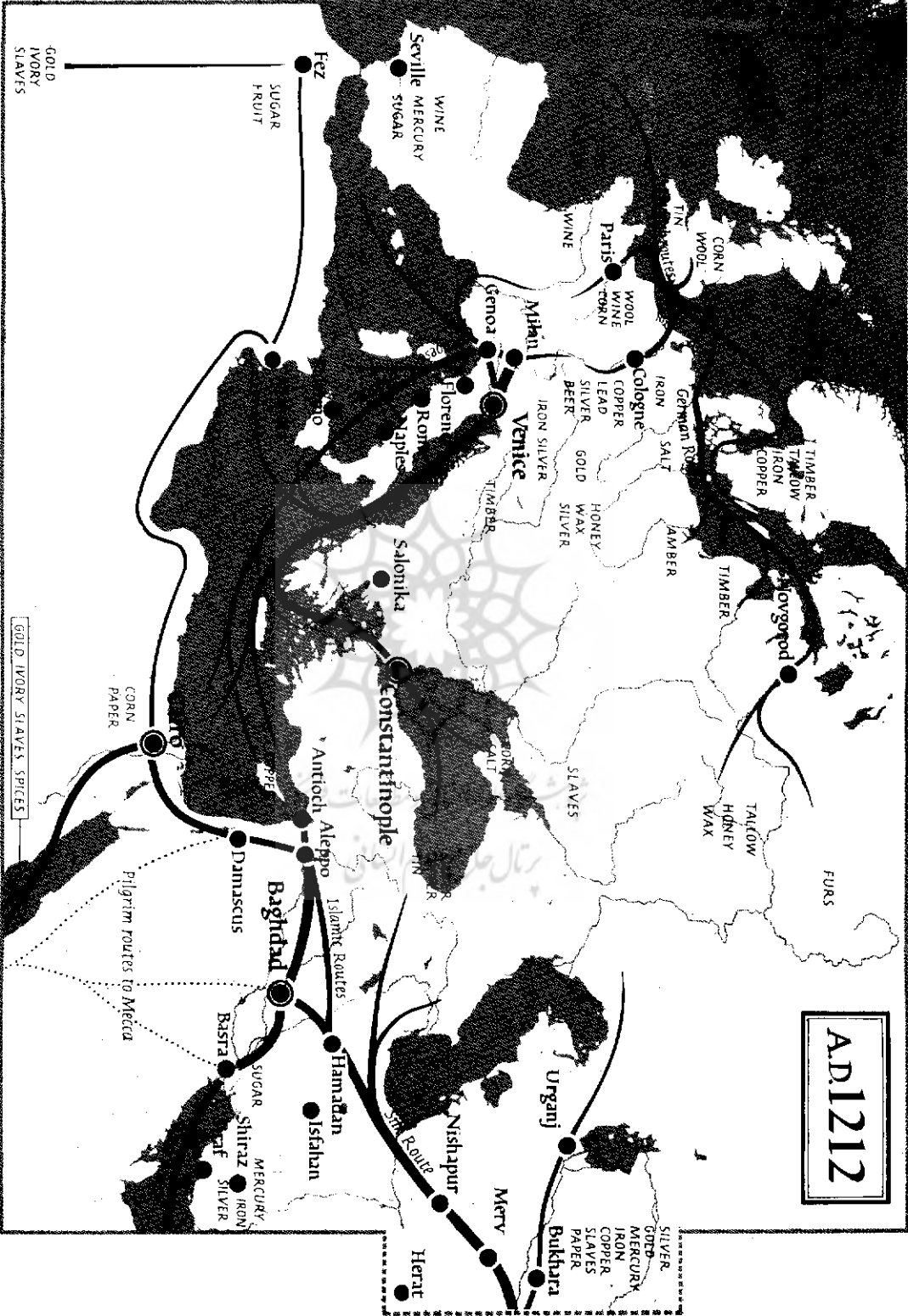
از قرار معلوم خانواده ویلونی پس از مستقر شدن در تبریز بناحیه Yangchow در چین مهاجرت کردند. اخیراً در آنجا سنگ قبر کاترین ویلونی، با نوشته لاتین پیدا شده که تاریخ ۱۳۴۲ را دارد. رجوع کنید به:

1. de Rachewiltz, *Papal Envoys to the Great Khan*, p. 182 & 192.

7— Archiv. Venet. XXVI, pp. 161-165 (quoted from L. Petech).

8— L. Petech, *ibid.*

AD. 1212



راه های بازرگانی و دریایی متفاوت در اواخر قرن سیزدهم (از اطلال سیکنور تا اواخر قرن سیزدهم)

جالب بنام «دستوری عملی برای بازرگانی» نوشته یکی از اهالی فلورانس بنام فرانچسکو دی بالدوچیویگولتی^۹ موجود است که در واقع جزو این بازرگانان نبوده است. پگولوتی کارمند بانکی بوده که اطلاعات تجار دیگر را در کتاب خویش جمع کرده است. شاید او بشرق سفر کرده بود ولی بیشتر اطلاعاتش از مدارك دیگران جمع آوری شده است.

نام اصلی کتاب پگولوتی «اوصاف ممالک مختلف»^{۱۰} میباشد و اولین ناشر عنوان «دستوری عملی برای بازرگانی» را بدان داده است. از زندگی مولف اطلاع زیادی درست نیست همین قدر از نوشته‌های خود او معلوم میشود که برای شرکتی فلورانس بنام باردی^{۱۱} کار میکرد، مدتی در لندن و سپس در قبرس بود، و کتاب خود را در حدود ۱۳۴۰ (۷۴۱) نگاشته است. این کتاب راهنمایی است برای سوداگرانی که بشرق میروند و فصول مختلف آن بذکر منازل و بنادر سرراه، نوع کالاهای صادراتی و وارداتی، مقدار مالیات و عوارض نوع تجارت هر محل، ارزش پول، اوزان و مقادیر هر مملکتی اختصاص دارد اکثر فصول فقط فهرستی است از انواع کالا، و قیمت آنها، و در مواردی که به بحث درباره ممالک مختلف می‌پردازد سبکی ساده و غیر تصنعی دارد و اندرزهای عملی ببازرگانان میدهد مثلاً در مورد تاجری که بشهر سرای رسیده آنگاه میخواهد اول به اورگنج و سپس به ختابرود، میگوید: «گرفتن زنی از محل بسته بنظر خودتان است، ولی اگر همسری اختیار کنید راحت تر خواهید بود، و مفیدتر خواهد بود اگر بزبان قومانی (ترکی) آشنائی داشته باشد «بعدا» سفارش میکنند که در استخدام مترجم اقتصاد بخرج دهید چون مترجمی صدیق و خوب خیلی میتواند به تاجر کمک کند. ۱۲

9— Francesco Balducci Pegolotti, *La Pratica della Mercatures ed.* Allan Evans, Cambridge Mass, 1963.

10— *Libro di Divisamenti di Paesi.*

11— Bardi.

12— Pegolotti, op. cit. pp. 21-22.

راهی که تجار ایتالیائی به تبریز می‌پیمودند یا از طرابوزان به تبریز بود و یا از Aias (در غرب خلیج اسکندرون)، ارمنستان صغیر، قیصریه، ارزنجان و ارض روم، و هر دو از زمانهای قدیم شناخته شده بود و تجار جنوبی و پیزایی بعالت معاهده ۱۲۶۱ منعقد در Nymphaeum چون انحصار تجارت دریای سیاه را داشتند بیشتر از راه طرابوزان کالای خود را می‌آوردند، در صورتیکه ونیزیها اگر از دریای سیاه میگذشتند اموالشان بتاراج میرفت، در نتیجه راه دوم را انتخاب میکردند. راه سوم جدیدی نیز وجود داشت که از قبرس بارمنستان صغیر، پس به سیواس، آنگاه بکناره‌های فرات و بالاخره برودارس و تبریز منتهی میگشت. اینراه را مولف ناشناس اثری اسپانیولی از قرن چهاردهم بنام: «کتابی در شناسایی تمام مناطق» وصف میکند.^{۱۳}

پگولوتی وصف دقیقی از منازل بین راه ایاس و تبریز را میکند و مقدار مالیات مقرر در هر منزل را ذکر مینماید. بطور کلی برای هر عدل باریك آنچه (Asper) میگرفتند تا تبریز مجموعاً ۱۲۰۹ آنچه میشد این رقم شامل انواع مالیاتها میگردد و یکی از آن میان «توتفاولی» خوانده میشد که در پست-های معینی اخذ میگشت، ولی در عوض مأمورین خان سودا گران را از دستبرد راهزنان حفظ و حراست میکردند. غازان خان مخصوصاً در بهبود وضع تجار سعی فراوان کرده بود. او علاوه بر ساختن حمامها و سایر مایحتاج مسافرین دستور داده بود که در مواضع ضروری «میلها بسنگ و گچ بسازند» و لوحی بر آن نصب کنند که «لوح عدالت» خوانده میشد و مقدار مالیات یا «توتفاولی» را معین میکرد و کسی نمی‌توانست بیشتر از آن بخواهد.^{۱۴} کتاب پگولوتی بعالت داشتن این جزئیات تجاری دارای اهمیت زیادی میباشد.

13— Libro del Conscimento de Todos los Reynos (Heyd, ii, pp.124-5).

14— Pegolotti, op. cit. pp. 14-31, cf. H. Yule, Cathay and the Way Thither, i, pp. 299-301.

چنانکه گذشت اکثر مدار کی که از تجار ایتالیایی موجود است سفرنامه نبوده بلکه مدار کی است در آرشیه‌های جنوا و ونیز که وضع اتباع این دو جمهوری را در ایران روشن میکند روابط تجاری و دیپلوماسی جمهوری ونیز با ایران در اوایل سلطنت اولجایتو با سفارت توماس اوچی (یا ایلدوچی) و عمیق آغاز شد (۷۰۵/۱۳۰۵) و سنای ونیز توجه خود را به تجارت با ایران معطوف ساخت .

در سال ۱۳۲۰ (۷۲۰) سفیری ونیزی بنام میکله‌دالغینو^{۱۵} با ایران می‌آید و قراردادی با سلطان ابوسعید خان می‌بندد^{۱۶} سفیر دیگر بین سالهای (۲۸-۱۳۲۶/۲۹-۷۲۷) در ایران بوده و راجع به وضع ونیزیان مذاکراتی کرده است . از قراردادهای این سفرا و مدارک دیگر تجار ونیزی مقیم تبریز معلوم میشود که ونیزیان می‌توانستند در تمام قلمروی ابوسعیدخان رفت و آمد کنند و در هر جا که میل داشتند اقامت نمایند آنها می‌توانستند محافظین راهها را همراه خود ببرند و در صورت امتناع مأمورین از رفتن و وقوع خطر مأمورین مزبور مسئول بودند و نیز آنها در تبریز یک کنسول و چهار کارمند کنسولگری داشتند و در صورت مرگ یک ونیزی هیچ کس جز کنسول حق نداشت با اموال او دست بزند . حتی عمال و مستخدمین ونیزیها از نوعی مصونیت بهره‌مند بودند ، و اگر مرتکب قتل میشدند می‌بایست بحضور یک قاضی عالی ایرانی برده شوند . بدین ترتیب می‌بینیم که کاپیتولاسیون قرن نوزدهم در ایران ریشه‌های قدیم‌تری داشته است .

وضع اهالی جمهوری جنوا نیز بهمین ترتیب بود . هدف سوداگران ایتالیایی در وهله اول خرید ابریشم چین بود . این ابریشم حتی قبل از ۱۲۵۷

15— Michele Daffino

16— Heyd, op. cit. ii, pp. 124-5; Marin, Storia del Commercio dei Veneziani,

iv, pp. 286-88; L. de Mas Latire, Privilege commercial accordé en 1320 à la Republique de Venise par un roi de Perse, dans *Bibliothèque de*

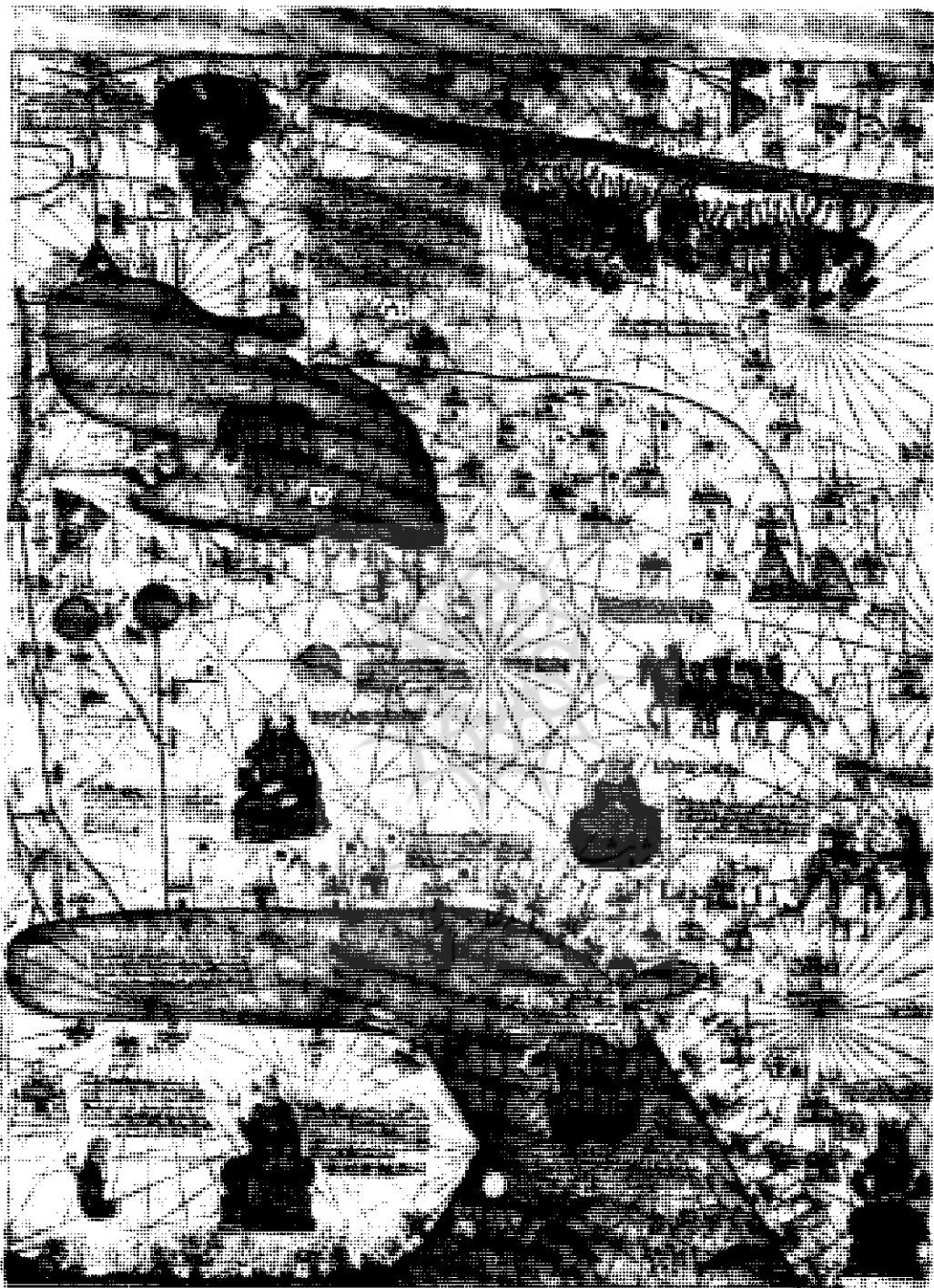
l'École des Chartes, 31 (1860), pp. 95-102.

(۶۵۵) نیز بارویا میرسید و عامل فروش آن تجار جنوایی بودند گویا ابریشم چین هم از لحاظ نوع و هم از لحاظ قیمت پست تر از ابریشم طالش و گیلان بود و سود آن بیشتر از زیادی مقدار حاصل میشده است. کاروان جنوایی هادایم بین تبریز و طرابوزان در رفت و آمد بود و جمهوری جنوا کوشش میکرد تا اعتبار مالی تجار خود را در ایران نگاهدارد. بدین جهت بیگانگان را (بجز ونیزیها و یونانیان) به کاروان خود نمی پذیرفتند و کنسول جنوا در تبریز نیز در امور مالی بازرگانان جنوایی نظارت داشت جنوایی هایک کنسول در تبریز داشتند که بیست و چهار نفر مشاور داشت ولی برای اخذ تصمیم حضور دوازده نفر کافی بود.^{۱۷}

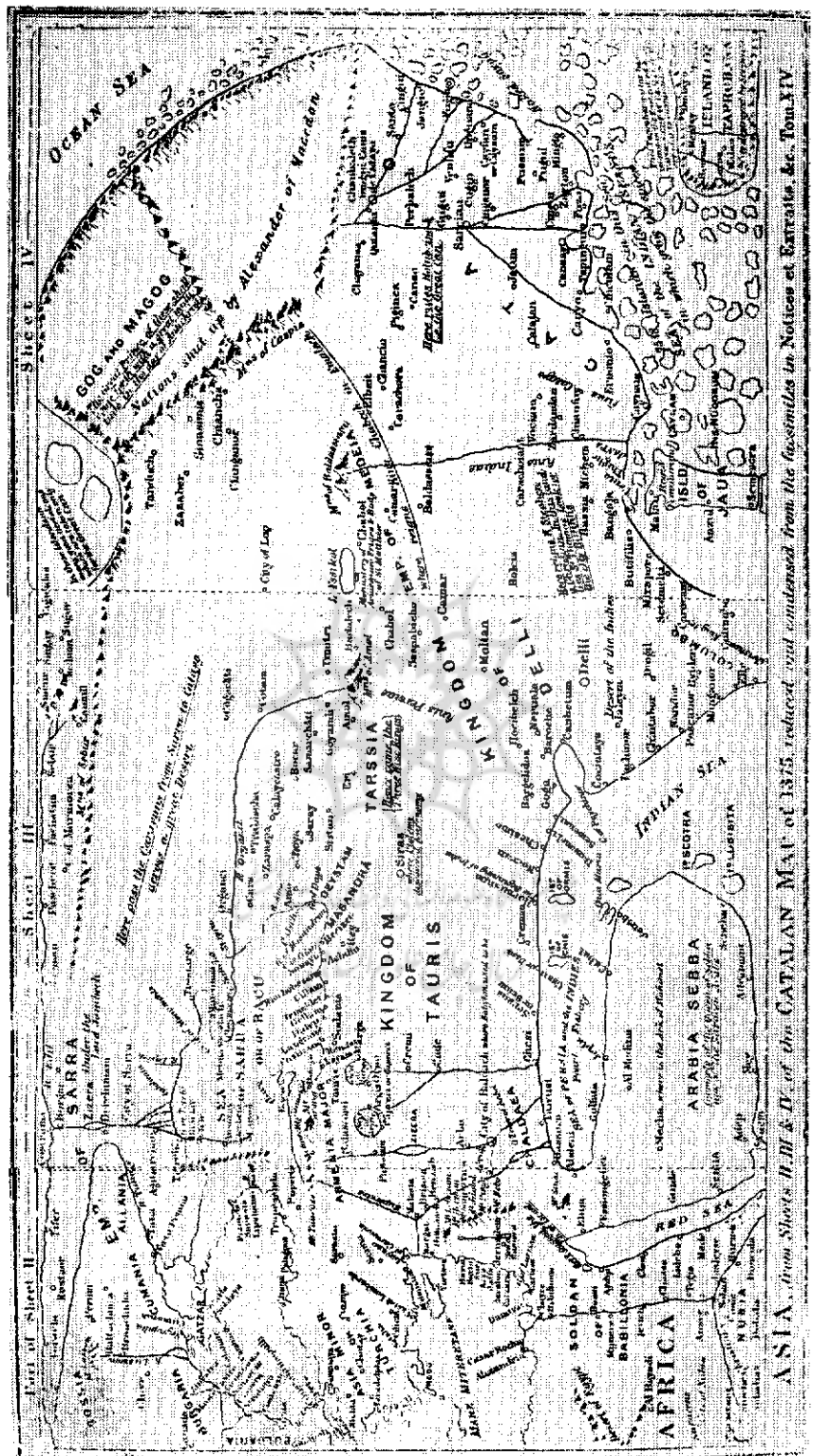
مار کوپولو میگوید که در حدود ۱۲۹۳ (۶۹۳هـ) بازرگانان جنوایی یک خط کشتیرانی در بحر خزر دایر کرده بودند^{۱۸} و گویا می خواستند ابریشم شمال ایران و چین را از طریق دن و ولگا بارویا حمل کنند. ولی احتمال نمیرود اینکار بمدت زیادی توأم با موفقیت بوده است، چون گیلان تا سال ۷-۱۳۰۶-۷۰۷) که اولجایتو آنجا را فتح کرد مستقل مانده و بعلمت وضع جغرافیائی خاص خویش امکان نفوذ خارجی کم بود اما جنوایی ها و بطور کلی سایر ایتالیائیان، از مدتها پیش در شمال بحر خزر در رفت و آمد بودند پلان دو کارپینی هنگامیکه در ۱۲۴۵ عازم دربار خان بزرگ بود قسمت شمال آنرا دور زد و پدر عموی مار کوپولو در ۱۲۶۰ از طریق ولگا وارد بحر خزر شده به شهر Saratov (بالای استرآباد) رسیدند و از آنجا به بخارا رفتند. جنوایی هاییکه مار کوپولو ذکر میکنند از مرکز تجاری خویش در تانا (در نزدیکی آروف جالبه واقع در مصب رود دن)، بالا رفته کشتی های خود را تارده ولگا کشیدند و از طریق این رود وارد دریای مازندران شدند و نیز می توانیم بوجه موافقت نامه ای که در ۱۳۳۳ از اوزبک خان بدست آوردند اجازه یافتند در نزدیکی آروف مرکز دایمی برای کشتیهای خود داشته باشند و کلای ایتالیا را

17— Heyd, op. cit., ii, p. 130.

18— Marco Polo, op. cit., i, p. 52



اطلس کاتالان که در ۱۳۷۵ توسط ابراهام کرسک ترسیم شده و ایران را بعنوان « امپراطوری تبریز »
وهند را تحت عنوان « امپراطوری دهلی » نشان میدهد . پرچم ایران عیناً مانند پرچمی است که در
کتاب « دانش امپراطوری ها . . . داده شده ، فقط در این زمینه زرد آن کمی گهرنگ تر است . در پایین
نقشه غواصان مروارید در خلیج فارس و ملکه سبا (۴) در شبه جزیره عربستان نشان داده شده اند .



نقشه آسیا که از روی ورق‌های ۲، ۳، ۴ نقشه کاتالان (۱۳۷۵) کشیده شده است. از «مختاروه بدائسو» از هنری بول.

از آنجابه حاجی طرخان حمل کنند و پس از گذستن از دریا، آنرا از طریق خشکی بسرای و خابنالیق برسانند. ونیز یها سالی در حدودش یاهفت بار کشتی ابریشم ایران و ادویه حمل میگردند، ولی هنگامیکه چنوابیها غارتگری نظامی را بابازر گانی توأم ساختند^{۱۹} ونیز یها مجبور شدند مثل سابق کالای شرق را به استرآباد بیساورند و پس از طریق راه ابریشم قدیم بسوریه برسانند بعلاوه ویران شدن دوشهر سرای واور گنج بدست یغماگران تیموری در ۱۳۸۸ (۷۹۰) ضربه بزرگی بتجارت این نواحی فرود آورد. ۲۰ تجارت ایتالیائیان در دریای خزر گرچه بعلت تسلط تیمور وبعداً در نتیجه افتادن قسطنطنیه بدست عثمانیان وبسته شدن راه اروپائیان بدریای سیاه اهمیت خود را ازدست داد واز بین رفت، ولی از لحاظ جغرافیائی اهمیت زیادی داشت. نقشه های درستی از دریای خزر ترسیم شد وسواحل و جزایر آن شناخته گشت. جغرافیانویسان باستان دریای خزر را با خلیج فارس مربوط میدانستند ویافکر میگردند که بادریایی که اطراف دنیا را گرفته است ارتباط دارد، در صورتیکه در نقشه های ایتالیائی که از قرن چهاردهم بمعدت ترسیم شد آنرا بصورت دریاچه ای نشان داده اند مار کوپولو طول دریای خزر را ۷۰۰ میل حدس میزند، و راهوزیو محقق ایتالیائی که مجموعه بزرگی از سفرنامه ها را جمع آوری کرد و بنسخه قدیمی از کتاب مار کوپولو دست داشته است، اضافه میکند که «محیط آن ۲۸۰۰ میل است و بمنظر میرسد که دریاچه ایست و با دریای دیگری راه ندارد»^{۲۱} چنانکه گذشت سفرهای

19— H. Yule, *Cathay and the Way Thither*, i, p. 50.

۲۰— درباره دریای نوردی ایتالیائیان ونقشه های اولیه بحر خزر رجوع کنید بمقاله جالب باگرو بنام «ایتالیائیان در دریای خزر»

«Italians on the Caspian», L. Bagrow, *Imago Mundi*, Stockholm, xiii, 1956, pp. 1-10.

21— Ramusio, *Della Navigazioni e Viaggi*, raccolta già M. Giov. Batt. Ramusio, (Venetia, 1563-1603).

دریایی ایتالیائیان در بحر خزر از مدتها پیش شروع شده بود، ولی چون بععل رقابت بازرگانی نقشه‌های آنجا را مخفی میداشتند، از قرن سیزدهم نقشه قابل توجهی در دست نیست. ولی از قرن چهاردهم نقشه‌های زیاد و تاحدی علمی موجود است.

مثلا از نقشه کاتلان، که در ۱۳۲۵ توسط ابراهام کرسک ۲۲ ترسیم شده، میتوان دریافت که اروپائیان اطلاع زیادی از نواحی و بنادر دریای خزر داشتند. مساله جالب در اینگونه نقشه‌ها اینکه اسامی شهرها و بنادر اطراف دریای خزر بمخلوطی از زبانهای مختلف اروپایی، عربی، فارسی، ترکی، و زبانهای قفقازی داده شده است و نشان میدهد که دریانوردان ایتالیایی از ملوانان محلی استفاده میکردند و گفته‌های آنها را دفتر روزانه کشتی ضبط میکردند.^{۲۲} پس از مرگ سلطان ابوسعید در ۱۳۳۵ (۷۳۶) وضع تجار ایتالیایی فرق میکند، و این بیشتر نه بخاطر افزایش مالیاتی بود که از سوداگران میگرفتند، بلکه بععلت عدم امنیت راهها بود. چون ابوسعید پسری نداشت ایران به قسمتهای مختلف تقسیم شد و پادشاهی ایلخانان به ملوک الطوائقی آشفته‌ای تبدیل گردید. چوپانیان و جلایریان در قسمتهای مختلف آذربایجان، مظفریان در فارس، آل کورت در هرات و شمال شرق ایران و سربداریان در خراسان حکومت داشتند و اغلب با هم در جنگ بودند. در نتیجه راههای تجارتي خطرناک گردید و تجار و سیاحان نمیخواستند جان خود را بمخاطره بیاورند، و بالاخره هم بععلت عدم وجود دولتی پر قدرت ایران بدست تیمور افتاد.

تبریز بین سالهای (۴۳-۱۲۳۸/۷۴۴-۷۳۸) بدست سلطان حسن چوپانی میگفتد و تجار غربی بقدری از بی‌امنی و وضع آشفته آذربایجان خسارت می‌بینند که بازرگانان جنوایی بازار تبریز را بایکوت میکنند. این تصمیم

22— Abraham Cresques

23— Bagrow, op. cit., p. 6.

بقدری دروضع اقتصادی حکومت اثر میگذارد که جانشین او ملک اشرف در ۱۳۴۴ (۷۴۵) سفیری به جنوا میفرستد تا با آنها سازش کنند و خسارات وارده را به تاجار جنوایی بپردازد. چندتاجر جنوایی کول اشرف را که مردی بی قانون و سفاک بود میخورند و کاروانی را عازم تبریز میکنند، ولی درراه بوسیله سپاهیان اشرف غافلگیر میشوند، چند نفر بقتل میرسند و در حدود دویست هزار لیور جنوایی کالایشان بغارت میرود. چندی نمیگذرد که جانی بیک فرمانروای قبچاق تبریز را میگیرد و اشراف را بسزای اعمال زشتش میزند. اندکی بعد حکومت آذربایجان بدست سلطان او یس جلایری میفتد.^{۲۴}

سلطان او یس که از ۷۵۹/۱۳۵۸ تا ۷۷۶/۱۳۷۴ بر تبریز، سلطانیه بغداد حکم میراند میکوشد تا روابط تجاری قدیم دوباره برقرار گردد و در ۱۳۶۹ (۷۷۱) دو نامه بکنسول و نیز در طرابوزان و چند ونیزی مقیم آن شهر می نویسد و آنها را دعوت میکند تا مثل زمان ابوسعید به تبریز باز گردند. تجار و ونیزی طرابوزان جواب میدهند دو سال است منتظرند تا کاروان بزرگی برسد تا از امن بودن راههای خاطر جمع شوند. در ضمن چند تاجر ماجراجو راه تبریز را در پیش میگیرند، ولی کالایشان بتاراج میرود. سلطان او یس دوباره در ۱۳۷۳ (۷۷۵) سه ونیزی ها نامه مینویسد و میگوید که دزدان را گرفته و مجازات کرده است و قول جبران خسارات را نیز میدهد ولی دیگر ونیزیها مایل ببازگشت به تبریز نبودند.^{۲۵} از قرار معلوم وعده های سلطان او یس نیز قابل اطمینان نبود بنا بگفته کلاویخو که بیش از چهل سال بعد دربار تیمور میرود، جنوایی های مقیم تبریز برای اینکه جای محکمی داشته باشند قطعه زمینی روی تپه ای در نزدیکی شهر ایتیماع میکنند، و میخواهند

24— Heyd, op. cit., ii, p. 131; L. Petech, op. cit., p. 569.

25— L. Petech, ppp. 569-70, quoting Predelli, I libri commemoriali della Replica di Venezia, Regesti, I, Venise, 1888, iii, p. 81, no. 495; p. 86, no. 522; p. 111, no. 79.

قلعه‌ای بسازند. سلطان اویس موافقت میکند و بعداً تغییر عقیده میدهد و هنگامیکه جنوایی‌ها نمی‌خواهند از ساختن قلعه منصرف شوند همه را بدست جلاد می‌سپارد. ۲۶

در سالهای پر آشوبی که پس از مرگ سلطان اویس ۷۷۶/۱۳۷۴ تا لشکرکشی‌های تیمور از ۱۳۸۱ (۷۸۳) ببعده در ایران بخود می‌بیند تجارت ایتالیایی‌ها تقریباً متوقف میشود، ولی در زمان تیمور که اوضاع قدری ثابت میشود بعضی از ونیزیها و جنوایی‌ها به تیریز باز میگردند اما بتدریج وضع نامطمئن ایران، بسته شدن دروازه‌های چین در زمان حکومت سلسله مینگ، بحران اقتصادی ایتالیا در نیمه دوم قرن چهاردهم، و افتادن قسطنطنیه بدست عثمانیان همه دست بدست هم میدهند و راه تجارتهای ایران را مجبور می‌گذارند. و کشف راه دماغه امید بوسیله واسکودو گاما بکلی اهمیت راه بازرگانی ایران و راه ابریشم قدیم را از میان میبرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی